

حسین امین

ترجمه ی : محمد حسین ساکت

## جایگاههای دانش در جهان اسلامی

پیدایی و دگرگونی آنها از مسجد  
تا مدرسه

- ۲ -

۲ - مکتب

در کنار مسجد ها - به عنوان مدارس عالی - جایگاههای دیگری ، برای آموزش کودکان ، یافت می شد و آن « کتابت » بود که مفرد آن « کتاب » ( بر وزن طلاب به معنای مکتب - م ) است .

در این مکتب ، کودک ، خواندن ، نوشتن ، مقدمات دین اسلام ، اصول حساب ، نحو و اشعار نازی می آموخت . در اینجا به از بر کردن قرآن گزانهای ، به کودکان ، توجه می شد . وضع آموزگاران کودکان ، در این آموزشگاهها ، خوب نبود . علت آن کمی درجه و مرتبت آنان بود . این کودکان یا در خانه ای که از آن خود آموزگار بود درس می خواندند یا در جایی که او اجاره می کرد و یادر یکی از غرفه های مسجد .

برای نمونه « کمیت » - در مسجد کوفه ، به کودکان ، درس می داد . برخی از منابع یاد آور می شوند که فقهاء به بودن مکتبها ، در مساجد ، تمایل نداشتند ، زیرا کودکان پاکیزگی آنها از میان می بردند و در بین خواندن و قرائت قرآن ، سروصدا برمی خاست که به نماز نمازگزاران لطمه وارد می ساخت .

به روزگار امویان و عباسیان ، پس از اینکه خلفا و فرمانروایان و سرداران به زندگی اشرافی خوگر شدند و زندگی تجملاتی و پیرایه ای ، چیره آمد و گرایش به دور شدن و جدایی از گروهها و لایه های مردم پیدا کردند ، کم کم ، می بینیم که این دسته از خلفا و سرداران ، برای آموزش فرزندان خویش آموزگاران ویژه برمی گزیدند . این آموزگاران را « مؤدب » می گفتند که هم بدین نام نامور شده اند .

روشن است که این « مؤدب » بلند مرتبه تر از آموزگاران کودکان ، در مکتبها ، می باشند .

« علی بن حسن الاحمر ( یاقوت : معجم الادباء ، ج ۱۳ ، ص ۵ ) . مؤدب « امین » - پسر هارون الرشید - پرخرج بود ، و کاخ ویژه ای داشت و او را خدمتگزارانی بود . در برابر تربیت امین هزینه و دارایی فراوانی دریافت می کرد .

« ابن سکیت » هم ، در رهراه ، برای تربیت دو فرزند « محمد بن عبدالله طاهر » برابر هزار درهم دریافت می داشت ( ابن خلکان : وفیات الامیاء ، ج ۲ ، ص ۴۶۱ ) .

« ابوالمظفر علی بن نیاز ، مؤدب فرزندان «مستضعف» - همینکه آموزش قرآن فرزندان خلیفه ( مستضعف ) پایان می‌یافت هدیه‌ها و پادشاهی ارزنده دریافت می‌کرد .  
( ۴ : الحوادث الجامعة ، ص ۸۹ ، مطبعة الفرات ، بغداد ، ۱۳۵۱ هـ ) .

این مکتبها در جهان اسلامی بسیار بودند و در انتشار اصول نخستین خواندن و نوشتن به ویژه ، و آموزش پایه‌های مقدماتی حساب ، نحو و جز آن تأثیر مهمی داشتند . مؤدیان پخش گردیدند و شهرهای بزرگ از آنان پر شد . این مکتبها همزمان با به وجود آمدن مدرسه‌ها بودند و همراه با جنبش مدرسه‌ای پیش می‌رفتند . این همان بود که مدرسه‌ها و به شکلی ویژه ، مدرسه نظامیه بغداد - را برای دانشجویانی که می‌خواستند آموزش عالی خود را به پایان برسانند و به دانشهای نوینی مانند :

اصول فقه ، تفسیر ، حدیث و دیگر دانشها دست یابند و مجال خواندن آنها در مکتبها فراهم نمی‌آمد ، گسترش می‌داد و آماده می‌ساخت .

انجمنهای علم و ادب :

این انجمنها ، فراوان ، در خانه‌های خلفاء و فرمانرویان تشکیل می‌شد . در آنجا دانشمندان پیرامون لغت ، شعر ، فقه ، فلسفه ، منطق و دانش کلام به گفتگو و مناظره می‌نشستند . میان این دانشمندان مجادلات و مباحثات به پا می‌شد .

شاید « مأمون » ، بیش از همه خلفاء ، بدینگونه نشست‌های علمی دلبستگی داشت . کتاب « الاغانی » پر از مطالب گیرایی است از نشستهای ادبی که خلفای بنی‌امیه ، به ویژه خلیفه « عبدالملک » و پسر او - « ولید » - آنها را سرپا می‌کردند خلفای بنی‌عباس به این نشستها دلبستگی نشان می‌دادند . نامی‌ترین کسی که در کاخ خود ، از خلفای بنی‌عباس ، این انجمنها را تشکیل می‌داد خلیفه «هارون الرشید» است که کاخ وی کعبه‌ی ، دانشمندان و ادیبان بود و در نشست او « ابو نواس » ، « ابوالغناحیه » ، « دعبل » ، « مسلم بن ولید » ، « عباس بن احنف » ، « ابراهیم موصلی » ، « اصمعی » ، « کسائی » ، « واقدی » و دیگران حضور می‌یافتند . ( Nicholson : Aliterary History of the Arabs P, 261 )  
Cambridge ' 1930 = نیکلسون : تاریخ ادبی عرب ، صفحه ۲۶۱ ، کمبریج ، ۱۹۳۰ .

مأمون ، خود ، ادیب و دانشمند بود . با دانشمندان دمخور بود و آنان را به گفتگو و مناظره وامی‌داشت . مأمون به مذهب معتزله ، که بر جدل استدلال تکیه می‌کرد ، گروید . اینچنین بود کاخ «سيف الدولة حمدانی» فرمانروایی که « تعالی » در باره‌ی او گفته است : «قبلی آرزوها و خانه‌ی مردان ، انجمن ادیبان و گروه شاعران بود . گویند بزرگان شعرو ستارگان و برجستگان روزگار ، پس از خلیفه ، به درخانه‌ی هیچکس همچون خانه‌ی حمدانی گرد نمی‌آمدند . ( این خلکان : وفیات الایمان ، ج ۲ ، ص ۶۶۱ ) .

حمدانی به ادیبان پادشاه می‌داد و جایزه می‌بخشید و در پیشرفت و گسترش شعر تازی ،

از انگیزه‌های مؤثر بود .

(Gibb: Arabic Literature, P. 61.

گیب : (ادبیات تازی، ص ۶۱).

کاخ محمود غزنوی هم‌پراز دانشمندی بزرگ مانند بیرونی ، شاعر بزرگ- فردوسی و « عنبی » تاریخ نگار بود .

Hitti : History of the Avabs, P. 465, London , 1949

هیتی [ فیلیپ ] . سرگذشت عرب ص ۴۶۵ ، لندن ۱۹۴۹ ) .

این پادشاه دانشمندان را تشویق می‌کرد و بدانان پاداش و جایزه می‌داد و در مناظرات و گفتگوهای دانشمندان شرکت می‌جست (العینی: عقداالجمان، ج ۱۶، ص ۹۷، دستنویس در کتابخانه مصر، به شماره ۱۵۸۴ - تاریخ - ۱۹۹۰ جلد).

« ابن اثیر » بازگویی کند که چگونه « غزالی » در يك مجلس مناظره نزد وزیر - « نظام الملك » شرکت کرد و با بزرگ دانشمندان آن مجلس به گفتگو و مناظره نشست و همگی را شکست داد

در همانجا، نظام الملك، او را به تدریس در مدرسه نظامیه بغداد منصوب کرد (السکی: طبقات الشافعية، ج ۴، ص ۱۰۳، المطبعة الحسينية، القاهرة ۱۳۲۴ هـ).

در مصر، کاخهای فاطمیان، به گوهر وجود دانشمندان و ادیبانی بزرگ تابناک بود. بسیاری از مردم به کاخ خلیفه فاطمی رفت و آمد می‌کردند تا به سخنرانیهای دعوت و تبلیغ فاطمی گوش فرا دهند. آن سخنرانیها به مجالس پند و اندرز یا مجالس تبلیغ و دعوت معروف بود. (المقریزی: الخطط، ج ۱، ص ۳۹، قاهرة، ۱۳۲۶ هـ).

«مقریزی» بازگویی کند که « قاضی نعمان » گفته است «مغره» [ معزالدین الله (۹۳۱ - ۹۸۵) در مهدیه تونس پایه جهان گذاشت. وی چهارمین خلیفه فاطمی است - م ] کتابی پیرامون علم باطن برای من فراهم ساخت و مرا فرمان داد تا آنرا برای مردم، هر روز جمعه، در کاخی که ساخته بود بخوانم. انبوه مردم بدانجا روان می‌شدند؛ که جا برای نشستن نبود. انجمنهای دانش و مناظره در منزل « ابن کلس » (۱) وزیر تشکیل می‌شد. اوقات داشت هر سه شبه انجمنی برای دانشمندان، ادیبان و قضات به پاکنند و میان آنان مناظره و مباحثه راه بیندازد. وی پاداش و منافع فراوانی در دسترس آنان می‌گذاشت (المقریزی: الخطط، ج ۲، ص ۲۴۱).

هنگامی که دولت عباسی نانون گردید و دامنه های آن کوتاه شد و دولتهای جداگانه روی کار آمدند ؛ پادشاهان و فرمانروایان این دولتها ، در آوردن نامی ترین دانشمندان و

۱- «ابن کلس ، یعقوب» (به کسر ک و ل) - ۹۳۰ - ۹۹۱ - یهودی و از مردم بغداد بود و وزیر خلیفه عزیز فاطمی وی مسلمان شد و وزنه‌ای در علوم اسلامی گردید. ابن کلس به کاردانی در امور مالی نامبردار گردید - مترجم .

ادیبان، به کانونهای فرمانروایی و کاخهای خود، به کوشش برخاستند. در این باره گویند،  
 «دودمانهای حاکم بر این دولتها - که از دولت عباسی جدا گردیده بود - در پشتیبانی از  
 دانش و دانشمندان به کوشش و کسش پرداختند و کاخها، در پایتختهای گوناگون، سرشار  
 از کانونهای فرهنگی گردید.

(Khuda Būkhsh : Contribution to the Histon of Jslamic Civi-  
 lisation, P. 184, Calcutta, 1850 .

خدا بخش : خدمت به تاریخ تمدن اسلام ، ص ۱۸۴ ، کلکته ، ۱۹۵۰ .

\*\*\*

### ۳- خانه های علم (دانشراها)

در کنار مساجد و انجمنهای دانش، دانشسراهای ویژه ای، برای درس و پژوهش پیدا  
 شده که به آنها خانه های علم یا حکمت می گفتند. نامی ترین آنها دارالحکمة بغداد، دارالعلم  
 موصل و دارالعلم قاهره است.

این دانشراها کانونهای پرورش علمی و فرهنگی بودند.

«بیت الحکمة» بغداد را خلیفه هارون الرشید بنیاد کردند که کتابخانه ای بزرگ  
 داشت. بیشتر کتابهای این کتابخانه را کتابهای پارسی، یونانی و هندی تشکیل می داد.

«سهل بن هارون پارسی» - مرده به سال ۲۱۵ هـ - که مردی شاعر و نویسنده بود سرپرستی  
 آن کتابخانه را به عهده داشت (یاقوت : معجم الادباء، ج ۱۱، ص ۲۶۶).

کار جلد سازی و صحافی این کتابها با «ابن حریش» بود (ابن الندیم : الفهرست،  
 ج ۱، ص ۱۰، المطبعة الرحمانیه بمصر، ۱۳۴۸ هـ).

مأمون به این دانشرا توجه و دل بستگی فراوانی نشان می داد. این دانشرا در پژوهش  
 و بررسی علمی نقشی بزرگ داشت.

در آنجا جنبش شگرفی در ترجمه کتابهای بیگانه به زبان تازی، آغاز گردید که به  
 آمیختگی و برخورد فرهنگ تازی با فرهنگهای گوناگون باستانی انجامید.

«ابوالقاسم جعفر بن حمدان موصلی» - مرده به سال ۳۳۳ هـ - نیز دانشسرای، در  
 موصل بنیاد نهاد و بدان کتابخانه ای، که ورود برای همگان آزاد بود، پیوست کرد و آنرا  
 به دانشجویان وقف ساخت. این حمدان موصلی، به آنجا، رفت و آمد می کرد و مردم گرد  
 او می آمدند و او برای آنان شعر خود و دیگران را می نویساند. و آنگاه داستانهایی شیرین  
 و چکیده ای از فقه و آنچه بدان بستگی می یابد، تقریر می کرد.

(یاقوت، معجم الادباء، ج ۲، ص ۴۲۰).

وزیر آل بویه، ابونصر شاپور پسر اردشیر، به سال ۳۸۳ دانشسرای در بغداد ساخت  
 که در سمت غربی بغداد نزدیک «کرخ» [بر وزن بلخ - ناحیه ای است در بغداد - م]  
 قرار داشت.

او کتابهای فراوانی را خریده بود یا گرد آورده بود بدانجا برد ( ابن الجوزی : المنتظم ، ج ۸ ، ص ۲۲ ، دائرة المعارف النظامية بحیدرآباد ، ۱۳۲۵ هـ ) .  
« الحاکم به امرالله » ، در قاهره ، خانهای بنیاد کرد که آنرا خانه علم ( دانشسرا ) می گفتند .

در گشایش آن ، به سال ۳۹۵ هـ ، جشنی گرفت و کتابهای فراوانی بدانجا برد . مردم به آن دانشسرا می آمدند و به درس خواندن می پرداختند و از کتابها دستنویس می کردند . برای این دانشسرا کتابخانه و دربانانی تعیین شده بود و در آنجا گروهی مأموریت یافتند ، به مردم ، علوم بیاموزند نوشت افزار مورد نیاز آنان مانند مرکب ، قلم و کاغذ در دسترس گذاشته شده بود ( المقریزی ، الخطط ، ج ۲ ، ص ۳۳۴ ) .  
این دانشسراها چه در بغداد و چه در موصل یا قاهره ، به دانشکدهها و مدارس و مؤسسات عالی امروزین همانند بود ؛ چه بسا پژوهشها و بررسیهای علمی ، در آنجا ، بیشتر انجام می گرفت !

در زیر این دانشسرا کتابخانه بود و پیوست به دانشسرا ، ما ، به خوبی ، درمی یابیم که مدرسه ها ، در آغاز پیدایی خود ، از این پایگاه ، زیر تأثیر این دانشسراها قرار گرفتند ؛ چرا که ضرور می نمود به هر مدرسه ای کتابخانه ای که شامل کتابهای فراوانی برای آسان کرد کار دانشجویان و استادان هر گفتگو و بحث و خواندن بود ، پیوست باشد . شاید دانشسراها واپسین جایگاههای علمی ، پیش از مدارس باشند .

## جهانگیر تفضلی

### پس از گذشت سالها

از پس سالها دیدمت دوش  
تا دگر باره از من بری دل  
من نیم دیگر آن فتنه انگیز  
دیگر آن سرور انجمن ها  
نیستم ، دیدمت روی در روی  
گرچه تابان تر از پیش گشتی  
یا مرا باز نشناختی تو  
باز زیباتر از پیش بودی  
نی دریغا بشویش بودی  
تو همان فتنه‌ی خویش بودی  
کش بمنت وفا کیش بودی  
چون شهبی رو بدرویش بودی  
نور افشان از این بیش بودی  
یا همان ناز اندیش بودی

کابل - آذرماه ۱۳۵۰